



## بوی بهبود

گپ و گفتی با سرپرست مرکز تربیت معلم

شهید شرافت تهران

گفت و گو از: نصرالله دادار

عکاس: غلامرضا بهرامی

مرکز تربیت معلم شهید شرافت تهران، یکی از مراکز تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان است. این مرکز از اولین مراکزی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مرکز تربیت معلم تبدیل شد. مرحوم شهید رجایی، ساختمان این مرکز را از دبیرستان البرز گرفت. مساحت این مرکز ۲۶ هزار و پانصد متر مربع است. خانم دکتر زهره کاوه از شهر بور ماه سال گذشته (۱۳۹۴) مسئولیت این مرکز را بر عهده گرفته است و هم‌اکنون نیز سرپرست این مرکز می‌باشد. ایشان دارای مدرک دکترای مدیریت آموزشی و ۲۵ سال سابقه مدیریت در مراکز آموزشی و تربیت معلم می‌باشد. گفت‌وگویی با ایشان انجام داده‌ایم که در ادامه از نظر شما می‌گذرد:

مرکز، با نام ساختمان قائم، در دهه ۶۰ توسط خانم دکتر احمدی که در آن زمان مدیریت اینجا را بر عهده داشتند، ساخته شده است. اینجا مهد هنر و دانشکده هنر بوده است. ولی متأسفانه چند سالی است که رشته

خانم دکتر! در ابتدا این مرکز را معرفی کنید.

مرکز آموزش عالی شرافت یکی از اولین مراکز تربیت معلم کشور است. ساختمان آن نزدیک به ۹۰ سال قدمت دارد. تنها یک بخش از ساختمان این

وظیفه دیگر ما تولید محتوای علمی در حوزه مشاوره، بهداشت و سلامت، ورزش و تربیت بدنی و زیست دانشجویی است که امسال در قالب کتاب، بروشور، لوح فشرده و نرم‌افزار ارائه خواهد شد. امیدواریم این فعالیت‌ها منجر به تولید محتوا در دانشجویان شود و آن‌ها بتوانند توانمندی‌های خودشان را نشان دهند.

◀ دانش‌جو معلمانی که امسال فارغ التحصیل و وارد مدارس شدند از نظر انگیزه و روحیه برای انجام وظایف معلمی در چه شرایطی هستند؟

بدون تعارف عرض می‌کنم، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان جزء بهترین دانشجویان این کشور هستند؛ به سبب پذیرش این رشته و این شغل. چون در یک دوره ۴ ساله در دانشگاه فرهنگیان تجربه، علم و صلاحیت‌های معلمی را آموخته‌اند می‌توانند با انگیزه و علاقه وارد آموزش و پرورش شده و مسئولیت آموزش و پرورش نسل آینده را بر عهده بگیرند. بی‌شک گذر زمان و تجربه‌آموزی هم می‌تواند به پختگی و توانمندی آن‌ها کمک بیشتری کند.

◀ آیا نکته‌ای هست که در گفت‌وگو مطرح نشده باشد؟

آنچه در این نشست و این جلسه به ذهنم می‌رسد این است که تقاضا کنم از همکاران فرهنگی، مدیران و معلمان با سابقه که معلم‌های جوان و دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان را به گرمی در جمع خودشان بپذیرند. تجارب خودشان را به آن‌ها انتقال بدهند. به آن‌ها اعتماد کنند و مسئولیت بدهند.

این باور را داشته باشیم که بعد از اینکه ما از مجموعه معلمی کنار برویم و بازنشسته شویم، آن‌ها باید جایگزین ما شوند. و این رسالت را عهده‌دار شوند. پس هر چه بیشتر به آن‌ها اعتماد کنیم و هر چه بیشتر مسئولیت‌ها را به آن‌ها واگذار کنیم و آن‌ها را بیشتر در جمع خودمان بپذیریم و از شایستگی‌های کار معلمی بتوانیم آن‌ها را هم بهره‌مند کنیم، یقیناً معلم نسل آینده ما معلم توانمندتری خواهد بود.

هنر مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. ما الان فقط دو کلاس هنر داریم و هنوز هم معلوم نیست که بتوانیم برای سال آینده دانشجوی پیوسته بپذیریم.

◀ دربارهٔ تعداد دانشجویان، اساتید، رشته‌های آموزشی مرکز هم توضیح دهید. ما در حال حاضر حدود ۱۳۰۶ دانشجو (۹۰۰ دانشجوی پیوسته و ۴۰۶ دانشجوی ناپیوسته) داریم.

این مرکز، مهد علوم پایه ایران است. هر چهار رشته علوم پایه (ریاضی، شیمی، فیزیک و زیست‌شناسی) را داریم. همچنین رشته‌های آموزش ابتدایی، کودکان استثنایی، حرفه‌وفن و ارتباط تصویری را هم داریم.

حدود ۴۱ استاد رسمی و ۱۷۰ استاد غیررسمی داریم که غیررسمی‌ها یا از آموزش‌وپرورش مأمورند و یا به صورت حق‌التدریس کار می‌کنند. تحصیلات اکثر اساتید غیررسمی ما در مقطع دکتری و فوق‌دکتری از دانشگاه‌های صنعتی شریف، امیرکبیر و تهران است و اساتید رسمی ما هم یا دکتر یا دانشجوی دکتری و یا فوق‌لیسانس هستند.

◀ مرکز شما از نظر امکانات خوابگاهی و رفاهی در چه وضعی است؟

ما قریب به ۵۰۰ دانشجوی خوابگاهی داریم. اما متأسفانه از اتاقی که برای ۴ تا ۶ نفر است، ۸ تا ۱۰ نفر استفاده می‌کنند. طوری که در برخی اتاق‌ها نمی‌توانیم در را به‌طور کامل باز کنیم. خوابگاه در ۴ طبقه و در وسط خود دانشگاه است.

هفتهٔ اولی که من به این مرکز آمدم با خیل جمعیت والدین روبه‌رو شدم که برای ورودی‌های جدید (۱۱۵ دانشجو) خوابگاه می‌خواستند اما حتی جای یک تخت هم وجود نداشت.

همکاران و دوستان هر چه آمدند و بخش‌های مختلف را بررسی کردند دیدند که جایی برای خوابگاه نیست. با دانشگاه‌های مجاور صحبت کردند که اگر می‌توانند دانشجویان را در خوابگاه جذب کنند، ولی موفق نشدند.

در نهایت از یک فضایی که مساحت آن حدود ۱۱۵ متر مربع بود استفاده کردیم. همچنین از مسئول حراست اینجا خواستیم که اتاق‌شان را به ما تحویل

دهند. چون اتاق آن‌ها حدود ۵۰ الی ۶۰ متر مساحت داشت. بالاخره توانستیم از این دو محل، یک خوابگاه ۴۶ نفره و یک خوابگاه ۲۶ نفره ایجاد کنیم و توانستیم این هجوم جمعیتی را به آرامش برسانیم. برای آن‌ها تخت‌ها و یخچال‌های نو خریدیم. سقف‌های کاذب زدیم و دیوارها را تعمیر کردیم.

◀ چه تعدادی از دانشجویان امسال فارغ‌التحصیل می‌شوند؟

در رشتهٔ آموزش ابتدایی حدود ۷۰ نفر. تاکنون، تطبیق واحدها فقط در رشتهٔ آموزش ابتدایی به‌طور درست انجام شده است و تکلیف دانشجویان مشخص شده است. اگر در رشته‌های دیگر هم تطبیق واحد انجام شود تعداد فارغ‌التحصیلان بیشتر خواهند بود.

◀ آیا امسال پذیرش دانشجوی جدید خواهید داشت؟

به ما گفته‌اند که ۱۰ هزار نفر در سطح ایران پذیرش شده که سهم ما هم بالطبع مشخص می‌شود. الان یکی از مشکلات ما همین است که ما به‌طور خیلی ضربتی این خوابگاه‌ها را ایجاد کردیم. ما ۱۳۰۶ دانشجو داریم اما یک معاون نداریم!

می‌دانید که سال گذشته طرحی تصویب شد که با آمدن پردیس‌ها، ما به صورت ساختمان شدید. یعنی من الان مدیر واحد ساختمان شرافت هستم.

در واقع من سه مافوق دارم. مافوق اولم پردیس نسبیه، مافوق دوم استان تهران و مافوق سوم دانشگاه فرهنگیان است. هماهنگی این سه بخش سخت است و ما هیچ کاری را مستقیماً حتی با استان تهران نمی‌توانیم انجام دهیم. باید ابتدا به پردیس نسبیه مکاتبه کنیم و بعد استان تهران و بعد دانشگاه.

◀ یعنی عملاً دست شما بسته است.

دستی نداریم که بسته باشد. کار دیگری که به‌دلیل مسائل مالی انجام گرفت این بود که چون پست من، سرپرستی است بالطبع هیچ معاونی هم به من تعلق نگرفت. نه معاون آموزشی، نه پژوهشی و... از مسئولیت کنترل واحد بهداشتی مرکز تا برگزاری هفتهٔ پژوهش، کنترل خریدها و... با من است. از سوی دیگر، مسئولیت پخش غذای دو مرکز با ماست. ما دو مرکز هستیم زیر پوشش

نسبیه. گفتند به خاطر مسائل مالی پخت غذای آن‌ها هم باید با ما باشد. یعنی ما برای قریب به ۲۰۰۰ نفر پخت غذا داریم. البته خرید مایحتاج کاملاً در اختیار ما نیست. یک نیرو لازم است که فقط پخت ۲ هزار غذا را مدیریت کند. از سوی دیگر ما پول نداریم و فقط سندها را می‌زنیم. دانشجویان این‌ها را نمی‌دانند و بارها و بارها به خاطر کیفیت غذا، به ما اعتراض کرده‌اند.

مشکل دیگر، اینکه در گذشته عنوان شده بود که لازم نیست دانشجویان بابت غذا پول بدهند و سیستم سهم خوابگاه و غذا را مستقیماً کم می‌کردند و بقیهٔ حقوق را می‌دادند. الان این‌گونه است که حقوق آن‌ها را کاملاً می‌دهند و از آن‌ها می‌خواهند که سهم خوابگاه و غذایشان را برگردانند که این معضل بزرگی به وجود آورده است.

◀ چه تعداد کادر اداری و خدماتی دارید؟

کادر ما حدود ۳۴ نفرند که ۵ نفر در آشپزخانه، ۸ نفر در بخش خدمات و حدود ۲۰ نفر کادر دفتری ما هستند.

◀ انگیزهٔ دانشجومعلم را برای رفتن سر کلاس چگونه ارزیابی می‌کنید؟

انگیزه برخی از آن‌ها خیلی خوب است؛ اما بعضی‌ها هم نه. بدون شک هر حرکتی در دوره‌های اولیه خود با مشکلاتی روبه‌رو است. در گذشته، برای کارورزی‌ها اساتید خوبی را انتخاب می‌کردند و بهترین معلمان و الگوها در مدارس انتخاب می‌شد و نظام رفتارگرایی حاکم بود. الان با توجه به شرایط دانش‌آموزان چنین معلمانی را نمی‌پذیرند و ما باید معلم فکور تربیت کنیم تا بتوانند در مدرسه در موقعیت‌های گوناگون موفق عمل کنند. در گذشته نظام رفتارگرایی حاکم بود اما امروز شناخت‌گرایی حاکم است و دانش‌آموزان فعال‌اند. تفکر کارورزی هم بر همین اساس است.

من قبلاً رئیس کارورزی هم بودم. می‌دانید که اولین شرط تغییر آن است که مدیر به آن اعتقاد داشته باشد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات دانشگاه فرهنگیان همین موضوع کارورزی است. بعضی از مدرسان کارورزی به تغییر با این سبک اعتقاد ندارند. در حالی که باید انگیزه

تغییر در آن‌ها به وجود بیاید تا خودشان بتوانند بانی این تغییر شوند. ما این مشکل را داریم. اما تقریباً روند رو به خوبی است. مرکز ما مسئولیت کارورزی را به یکی از خوش‌فکرترین اساتید مرکز - خانم تعادلی - سپرده است که خودشان مسئولیت ۳۳ استاد کارورزی مرکز را به عهده بگیرند. جلسات برای سه گروه استثنایی، آموزش ابتدایی و علوم پایه در سه سرفصل جداگانه تشکیل شده و کلاس‌های متعدد برای آن‌ها داشتیم. حرکت به سمت جلوسست. کارگاه‌هایی که قبل از امتحانات برقرار شد، نتیجه کارگاه‌ها خیلی امیدوارکننده بود.

◀ **پس با وجود مشکلاتی که به آن اشاره کردید، روند را رو به رشد می‌بینید؟**  
بله. اساتید کارورزی را از آموزش و پرورش جذب کردیم چون تعدادشان زیاد است. مثلاً در رشته فیزیک یک متخصص فیزیک و یک متخصص علوم تربیتی قرار داده‌ایم.

◀ **در چند ترم کارورزی دارید؟**  
قبلاً در دو ترم کارورزی داشتیم و الان در چهار ترم داریم.

◀ **اصلاً درس کارورزی برایشان جدی است؟**

شدید. به صورت سیستماتیک اساتیدشان با هم جلسه دارند. به مدارس می‌روند و...

◀ **مدارس در درس کارورزی با دانشجویان همکاری می‌کنند؟**

دانشجویان در مرکز ما استاد راهنما دارند، در مدرسه معلم راهنما دارند، مدیر و معاون مدرسه هم باید همکاری کنند، ولی مشکلاتی هست. سال گذشته قرار شد شماره حساب معلمان راهنما را بگیریم تا مبلغی به‌عنوان حق‌التدریس تعلق بگیرد، اما مبلغی به حساب آن‌ها ریخته نشد. تصمیم گرفتیم حداقل یک گواهی به آن‌ها دهیم به‌عنوان تشویقی. اما این گواهی‌ها هم امتیازی نداشت.

به هر حال، معلمی که در طول ترم با دانشجویی ما همکاری می‌کند، باید به گونه‌ای از او قدردانی شود. این مسائل نیاز به کسی دارد که غم‌خوار باشد و محیط به کار باشد. ما همگی محاط در سیستم هستیم و خیلی جاها را نمی‌بینیم. سیستم باید محیط به کار باشد.

◀ **بزرگ‌ترین گلابه دانشجویان چیست؟**

غذا و کیفیت آن. بچه‌های ما خیلی نجیب هستند. ما متأسفانه مشاور نداریم و فقط برخی دوستان از سر دلسوزی گاهی می‌آیند به‌عنوان مشاور کار می‌کنند. من اینجا همه‌کاره هستم. خودم حس می‌کنم در ماه‌های اول موقعیت بهتری نزد دانشجویان داشتم. اما الان مسئله غذا و مسائل دیگر و مسائل مالی باعث شده ساحت مدیریت من زیر سؤال برود. خودم از این مسئله اذیت می‌شوم. من عمری معروف بودم به مدیر بیگیر و سخت‌گیر و دلسوز ولی حالا...

ما ۱۳۰۶ دانشجو داریم. بدون معاون، چند آزمایشگاه بسیار پرخرج داریم شامل شیمی، زیست و فیزیک.

◀ **آزمایشگاه‌ها خوب تجهیز شده‌اند؟**  
دانشگاه چند صد میلیون در تابستان گذشته هزینه کرد چون در تابستان سال گذشته اینجا مرکز کلاسی برای مدرسان معلمان آزمایشگاه‌های کشور شد.

حدود ۷۰۰-۶۰۰ میلیون تومان برای تجهیز آزمایشگاه‌ها قبل از اینکه من بیایم خرج شده بود. از آن به بعد هم در چند دوره تجهیز شده است. اداره این‌ها پول و انرژی می‌خواهد.

من باید چیزی حدود ۱۲ تا ۱۴ ساعت در مرکز باشم تا بتوانم جوابگوی کارها باشم.

◀ **چند سال است که در آموزش و پرورش هستید؟**

۳۴ سال. من عاشق کارم هستم. هر روز با عشق سرکار می‌آیم.

◀ **ریشه عقلانی این عشق و علاقه چیست؟**

هر دانش‌آموز و دانشجو تنها یک فرد نیست، یک نسل است. اگر از یک نفر غافل شوم از یک نسل غافل شده‌ام. به همین دلیل بار سنگین این موضوع خیلی اذیت می‌کند و وقتی حس می‌کنم نمی‌توانم کاری انجام دهم دوچندان اذیت می‌شوم.

من هفته‌های نخستی که اینجا بودم گاهی تا ۳۶ ساعت خانواده‌ام را نمی‌دیدم، چون گاهی مجبور بودم شب را اینجا بمانم.

◀ **از مسیری که آمده‌اید راضی هستید؟**  
بله. برگردم به عقب دوباره مدیر می‌شوم

و دوباره آموزش و پرورش را انتخاب می‌کنم. چرا؟

من آینده را می‌بینم. واقعاً خودتان را مؤثر می‌دانید؟

بله. دیگران می‌گویند هستم. ولی آنقدر مشکلات و تنگنا زیاد است. من بسته مدیریتی دارم. زمانی که آقای زندیه مدیر کل بودند وقتی به مدرسه ما آمدند و بیلان کاری ما را دیدند تمام کارهای ما مطرح بود. من مدیر مدرسه فضیلت منطقه ۱۷ تهران بودم. در این منطقه همه عاشق‌اند. وزیر و وکیل از این منطقه زیاد برآمده است و شهید هم زیاد داده است. ممکن است در مسیری که آمده‌ام اشتباه داشته باشم، اما به راهم عشق می‌ورزم.

من در طول ۲۵ سال مدیریتم حتی یک دانش‌آموز را اخراج نکردم یا یک کارمند و معلم و استاد را. همیشه به این فکر می‌کردم که چرا این غم برای مدرسه دیگری باشد؟ اگر غمی هست من باید غم‌خوار سیستم باشم.

◀ **به نظر شما متمرکز کردن این همه مرکز تربیت معلم در جایی به نام دانشگاه فرهنگیان کار درستی است؟**

می‌تواند خوب باشد. حرکتی که الان دانشگاه فرهنگیان انجام می‌دهد در جهت نظام‌مند کردن کارهاست که خوب است. اما کمبود امکانات است و برخی برخوردهای آن طرف جوی و این طرف جوی با بچه‌های قدیمی تربیت معلم. یعنی فقط در رده‌های دوم، سوم و چهارم از بچه‌های تربیت معلم قدیم استفاده می‌شود. این باعث شد که آن‌ها حس کنند در بازی نیستند. مثلاً ما نیرویی مانند دکتر سوسن طباطبایی داریم که دکترای ادبیات عرب را از تربیت مدرس گرفته‌اند. گرچه از جاهای دیگر برای تدریس دعوت داشتند اما عشق به تربیت معلم داشت. نیروهای این چنینی خیلی داریم.

تربیت معلم عاشق زیاد دارد. درست مانند بچه‌های جبهه و جنگ که برای آن‌ها زمان، مکان، انرژی یا چرتکه انداختن‌های مالی اهمیت ندارد. ما هم در جبهه تعلیم و تربیت هستیم. الگوی من بچه قطع نخاعی است که در سن ۲۰ سالگی قطع نخاع شده است. من هرچه تلاش کنم رنج یک شب او نیست. این موضوع همیشه به من انرژی داده است.

تربیت معلم  
عاشق زیاد  
دارد. درست  
مانند بچه‌های  
جبهه و جنگ  
که برای  
آن‌ها زمان،  
مکان، انرژی  
یا چرتکه  
انداختن‌های  
مالی اهمیت  
ندارد